

دولت است و مردم در مناطق تحت کنترل آنها - به طور مثال در رقه سوریه که طولانی ترین زمان اشغال را دارد - از فروپاشی خدمات عمومی در رنج هستند.

۳ - داعش به عنوان یک دولت شکست می خورد

اما از بین نمی رود

سناریوی سوم برای آینده داعش را می توان محتمل ترین سناریو دانست. بر اساس این سناریو داعش به عنوان یک دولت شکست خواهد خورد. زیرا داعش فاقد یک ایدئولوژی منسجم و کارآمد، نهادهای جدی سیاسی و اجتماعی، فرآیند جدی رهبری، توانایی مدیریت جزئیات پیچیده دولت گردانی و نیز روابط دولت با دولت در منطقه است. این گروه همچنین علی رغم نارضایتی عمیق میان سنی های عراق و سوریه خود را از بخش اعظمی از جمعیت اهل سنت جدا ساخته است. با این حال این امر به معنی از بین رفتن آن نمی باشد. بر اساس این سناریو نیروهای امنیتی عراق در کنار نیروهای مردمی این کشور از یک سو و ائتلاف ضد داعش از سوی دیگر خواهند توانست زمین های اشغال شده توسط داعش را پس گرفته و خلافت ابدعی این گروه تروریستی را به عنوان یک دولت از بین ببرند. اما دامنه نفوذ داعش، تجربه جدی این گروه بعد از یک جنگ بیست ساله (القاعده و شعب آن) برای ادامه مقاومت و نیز آشفته گی های قومی و طائفی گسترده ای است که در این منطقه وجود دارد و باعث می شود این گروه از بین نرود. در سناریوی سوم این که داعش بتواند یک حکومت آرام و بی مخاطره داشته باشد، پایگاه های خود را در حد گسترده حفظ کند و پالایشگاه و سد و پادگان در اختیار داشته باشد، ممکن نیست، اما این که بتواند در فضا های مسکونی و پر جمعیت و جز اینها بماند، امری عادی است. داعش، حکومت صدام نیست که با بمباران سقوط کند. بنابراین باید گفت، داعش ممکن است بخش های زیادی از محدوده ای را که متصرف شده از دست بدهد، اما امکان این که به این زودی حذف شود وجود ندارد.

در مسیر القاعده

آنچه می توان پیش بینی کرد این است که داعش در حد یک دولت شکست خواهد خورد، اما بخش زیادی از توان نظامی و اقتصادی آن به صورت پراکنده باقی خواهد ماند. تجربه نشان داده است که از آن مر حله به بعد آمریکا مسئله را به دولت های عراق و سوریه - چه دولت بشار یا دولتی که آمریکا در نقشه خود دارد و ممکن است در باره آن با عربستان و ترکیه به توافق برسد. واگذار خواهد کرد. در ادامه، برای دهها سال مشکل در منطقه ادامه دارد تا آن که داعش هم سرنوشتی مانند القاعده پیدا کند، سرنوشتی که سازمان هایی از این قبیل دارند که دوره بیشتر نیست. یا با دولت های مرکزی مصالحه خواهند کرد و در مسیر این مصالحه وارد یک نظام مشترک با مخالفان شان خواهند شد یا آن که به صورت گروه های منزوی و دور از شهر ها خواهند ماند و به تدریج در مسیر نابودی و ضعف همراه با استفاده از روشهای نامتعادل در برخورد های نظامی و سیاسی قرار خواهند گرفت.



همین ضعف عنوان کرده اند، ضعفی که باعث شده یک ایدئولوژی ساده و همه فهم از دل آن خارج شود. داعشی ها بدون این که درگیر مباحث عمیق تئوریک شوند تنها به دنبال اجرای اولیه احکام شرعی به شکل بدوی آن می باشند. این امر با گذر زمان برای این گروه تروریستی در دسر ساز خواهد شد. اختلاف بر سر درک و استنباط احکام الهی خیلی زود به اضمحلال درونی و درگیری های درونی آن منجر خواهد شد. نمونه این اختلافات را می توان در تلاش عده ای از سران داعش برای کودتا علیه البغدادی دید، کودتاچیان داعشی معتقد بودند البغدادی بیش از حد لیبرال است و در اجرای احکام الهی تعلل به خرج می دهد.

داعشی های چینی

دلیل دیگر سقوط احتمالی داعش از بین رفتن نسل اول آن عنوان می شود. الحیة در این باره می نویسد: بعد از ورود داعش به عراق در ماه ژوئن سال گذشته، مراکزی برای ثبت نام داوطلبان عضویت در گروهک تروریستی راه اندازی شد که جوانان عراقی به آن ها پیوستند، به این گروه از داوطلبان که بعد از تصرف موصل به گروهک تروریستی ملحق شدند «داعشی های چینی» گفته شد. در مقابل تروریست های چینی، تروریست های اصلی قرار دارند که در عملیات اولیه تسلط بر موصل با داعش همکاری می کردند. داعشی های چینی، نسبت به سایر داعشی های اصلی، افراط و تفریط کمتری دارند، آنان به رویه های داعش پایبندی کمی دارند، اما به دلیل فرصت های شغلی که داعش در اختیار آن ها قرار داد به آن پیوستند. بعد از فرار و کشته شدن بسیاری از داعشی های اصلی؛ در حال حاضر اکثر تروریست های فعال داعش را داعشی های چینی تشکیل می دهند، با وجود آن که در زمینه فعالیت های تروریستی از تجربه کمتری برخوردار هستند.

نقاد تفکر های مختلف

از سوی دیگر اگر این جنبش یک روز تثبیت شود بزرگ ترین درگیری های خشونت آمیز و وحشیانه را در درون خود خواهد داشت، از حزب بعث بگیرد تا کسانی که از چین و اروپا و آفریقا و عربستان و افغانستان به این جنبش پیوستند، از همه جا وارد کرده اند و هریک از آن ها دارای تفکر خاصی است، ولی آن چیزی که آن ها را در کنار هم قرار داده و مفصل بندی کرده مقابله با دگر خودشان است و این دگر کفار هستند. از این بابت شاید نتوان رهبران برجسته ای که صاحب اندیشه ای باشند برای آن در نظر گرفت.

نا توانی در دولت داری

علاوه بر همه اینها تشکیلات ایجاد شده توسط داعش عملاً یک دولت کوچک است که دارای دستاوردها و نشانه هایی از قدرت است، اما آسیب پذیر هم هست. اگر شما یک دولت را اداره می کنید، از شما انتظار می رود که وسایل نقلیه را ساعت حرکت کنند، اگر این اتفاق رخ ندهد، شما محبوبیت تان را از دست می دهید. داعش نشان داده است که فاقد توانایی برای اداره یک

بخش اعظمی از جمعیت اهل سنت جدا ساخته است. وضعیت ایده آل این است که این گروه خود به خود، بدون مداخله وسیع خارجی، بالاخص غربی، که به نوعی منجر به تقویت ادعاهای ایدئولوژیک آن می شود، سقوط کند. با توجه به اظهارات مطرح شده درباره آینده داعش می توان ۳ سناریو را برای آینده داعش پیش بینی کرد:

۱ - تشکیل کشور داعش

سناریوی اول که احتمال وقوع آن ضعیف است بر توانایی داعش در تحمیل خود به منطقه خاور میانه تاکید می کند. بر اساس این سناریو اگر داعش مسئولیت پذیر باشد با گذر زمان بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای با آن کنار خواهند آمد؛ اما لازم آن رفتار منطقی و عقلانی است مانند رفتاری که طالبان به خود گرفت، رفتاری که حتی باعث شد که روی کرسی سازمان ملل هم دست بگذارد. در این سناریو داعش قلمرویی دارد که در واقع یک مرز توافقی است، آرزوی حمدانی های موصل این است که به حمدانی های حلب وصل شوند؛ یعنی آن ها را از هم جدا کرده اند و امروز داعش آن ها را به هم برگردانده است و این خواست عمیق مردمی است که آنجا هستند و حتی حاضرند که برای آن خون بدهند. البته همان گونه که عنوان شد شرط این بقا عقلانیت رفتاری است، چیزی که تا کنون داعش از خود بروز نداده است. گفته می شود رابرت گیتس، رئیس سابق سازمان سیا نوشته ای که بیانگر یک قاعده کلی است را روی میز خود قرار داده: «به عنوان یک قانون کلی، راه دستیابی به یک شگفتی استراتژیک کامل، انجام اقدامی است که به هیچ وجه عاقلانه نیست یا حتی باعث خودتخریبی می شود.» داعش همچنان باعث شگفتی جهان می شود و اقداماتش واقعا غیر عاقلانه و باعث خودتخریبی است.

۲ - داعش هیولای خود ویرانگر

سناریوی دوم بر خود ویرانگری داعش بنا شده است. در این سناریو دلایل زیادی برای ناپایداری و گذرا بودن پدیده داعش عنوان می شود اما دلیل اصلی سقوط داعش، روش های شنیع و غیر انسانی این گروه است.

خشونت پیش از حد

بسیاری از مردم خاور میانه از اقدامات وحشیانه و رعب آفرین داعش تنفر دارند. روش هایی همچون سر بریدن و آتش زدن اسیران، علاوه بر وحشت دشمنان داعش، موجب افزایش اهمیت این گروه و نشان دادن این که این گروه بدترین و خشن ترین گروه در درگیری های عراق و سوریه است، می شود. زندگی تحت حکومت چنین گروه باطلی برای مردمی که در آن جاحضور دارند، دافعه زیادی ایجاد می کند.

ضعف تئوریک

علاوه بر این داعش از عقبه تئوریک بسیار ضعیفی برخوردار است. کارشناسان یکی از دلایل موفقیت داعش در جذب جوانان را

